

نقش رفتارهای اقتصادی مبتنی بر فرهنگ بر رشد صنایع مادر در ایران در دهه ۱۳۹۰

محمد دانش زمانی

کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی، گرایش منابع انسانی- اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

این مقاله به صورت مروری بر مقالات نگاشته شده پیرامون نقش رفتارهای اقتصادی مبتنی بر فرهنگ بر رشد صنایع مادر در ایران در طول دهه ۱۳۹۰ صورت پذیرفته است. در این تحقیق مقصود از رفتارهای اقتصادی مبتنی بر فرهنگ، همان اقتصاد مقاومتی و اقتصاد جهادی است. این تحقیق به صورت کیفی و با استفاده از روش مطالعات کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که پس از بیانات مقام معظم رهبری در رابطه با اقتصاد مقاومتی در رشد برخی از صنایع ایران به خصوص در رابطه با صنایع مادر با رشد مناسبی مواجه هستیم.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد مقاومتی، فرهنگ اقتصادی، رشد صنایع مادر، فرهنگ

۱. مقدمه

جهانی که در آن زندگی میکنیم جهان تحولات و گذرهای پی در پی از مرحله ای به مرحله دیگر است. تغییر، واژه ای ناآشنا باذهان نیست و این آشنایی، سازمانها را نیز تحت تأثیر قرار داده است. امروزه تغییرات اساسی در حال وقوع، درحیطه احساسات است. سازمانهایی که می خواهند کارکنانشان با دل و جان خود همکاری کنند باید قبول کنند که احساسات درسبک مدیریتی جدید نقشی حساس را بازی می کند. تغییرات تا بدان جا پیش رفته که سخن از تغییر پارادایم به میان آمده است. پارادایم مدیریتی جدید بیان می کند که مدیریت افرادهمان مدیریت عواطف و احساسات آنهاست. این پارادایم جدید را می توان جنبش معنویت نامید (سرفرازی و هاشمی، ۱۴۰۰) معنویت توصیفی از اشتیاق انسان به روی آوردن به وجودی متعالی یا قدرتی فراتر از کنترل و فهم انسان است که یکتایی وجودشناختی انسان را در مقابل حیوانات نشان میدهد (جوکار و کمالی، ۱۳۹۵: ۳۷۹). واژه معنویت در محیط کار که زمانی تابو قلمداد می شد امروز کم کم در حال رخنه کردن به محیط کارها است. بدین ترتیب، روند رو به رشد ورود معنویت به کار و سازمان با تمام شک، تردیدها و انتقادهایی که بر آن می شود غیر قابل اجتناب است و هویت سازمانی هم از این امر مستثنی نیست. هویت سازمانی یعنی احساسی شناختی بین تعریف سازمان و تعریف خود، به عبارت دیگر یعنی ادغام خود و سازمان. وقتی فرد خودش را با اعتقادات اهداف و ارزشهای یک سازمان همسو می کند نوعی هویت سازمانی پیدا می کند. در این حالت یک نوع همبستگی یا پیوند بین سازمان و فرد ایجاد می شود. در صورتی که معنویت محیط کاری به عنوان یک فرهنگ برای سازمانها شناخته شود، بر هویت سازمانی تأثیر بسزایی خواهد داشت. لذا آشنایی با مفهوم فرهنگ و نحوه ی به کارگیری فرهنگ در سازمان همچنین شناخت راههای تغییر فرهنگ قدیمی و جایگزینی با فرهنگ معنویت می تواند سازمانها را با هویت ساخته و مسیر رسیدن به اهداف سازمانها را هموارتر کند (سرفرازی و هاشمی، ۱۴۰۰).

همچنین در پارادایم نوین مطرح می شود که انسانها تنها بادستانشان کار نمی کنند، بلکه قلب هایشان نیز درگیرفعالیت می شود. باگذشت زمان وجودمعنویت، منافع زیادی را نشان داد؛ به ویژه در شرق آسیا؛ به گونه ای که آنان احساس پوچی خود را با معنویت ازبین می بردند. با تمرکز بر معنویات، شادی درمحل کار ایجاد و کارکنان از کار خود احساس خرسندی و شادکامی می کنند (باقری و همکاران، ۱۳۹۶ به نقل از سرفرازی و هاشمی، ۱۴۰۰).

وقتی زمینه ای درنظرمی گیریم که به طور خاص اقتصادی نیست کسب و کارها با مجموعه ای از حقوق و مسئولیتهای مرتبط با جامعه ای که آنها را در برگرفته است روبرو می شوند که به آنها اجازه نمی دهد تا تنها برروی مدیریت اقتصادی به منظور دستیابی به اهداف خود تمرکز نمایند (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۳) همچنین درسالیان اخیرروز به روز بر توجه و حساسیت پیرامون عملکرد اجتماعی سازمانها و کسب و کارهای مختلف افزوده شده است (کوپر، ۲۰۱۷ به نقل از هاشمی، ۱۴۰۰).

با عنایت به این که امروزه، کارآفرینی به عنوان عامل توسعه ی اقتصادی در بسیاری از کشورها مورد توجه قرار گرفته است (هارکیما و اسکات، ۲۰۰۸: ۳۰۸) به طوری که در اقتصادهای مدرن و پیشرفته کار آفرینی یک اصل مهم و غیر قابل انکار می باشد. کار آفرینی به علت اثرات قابل ملاحظه ای که بر روی سطح خرد و کلان اقتصاد دارد، مورد توجه واقع شده است. کار آفرینی عامل حیاتی در زایش ایده های جدید خلق شرکتها و کسب و کارهای جدید و به طور کلی پرورش اقتصادی است و از طرفی با توجه به این که در شرایط امروزی اقتصاد کشورما دچار نارساییها، کمبودها و سوء مدیریتهایی است که منجر به وضعیت نابهنجار بیکاری، کمبود تولید ناخالص داخلی کاهش قدرت سرمایه گذاری دولت ضعف درصادرات غیرنفتی و بیماریهایی از این قبیل شده است نیم نگاهی به وضعیت جهانی اقتصاد ما را به سوی این باور می کشاند که رشد کارآفرینی و

فرهنگ کارآفرینانه هدفمند، تنها را بهبود بیماری امروز اقتصاد کشور و پیشگیری از وخامت حال فرد است دهقان پور (۱۳۸۱). امروزه طیف وسیعی از کسب و کارهای متنوع شامل کسب و کارهای بزرگ، متوسط کوچک و بسیار کوچک وجود دارد. کسب و کارهای بسیار کوچک پیش از نیمی از کسب و کارهای کوچک را تشکیل می دهند و در موفقیت کار آفرینان کمک به زنان، اقلیتها و افراد محروم نقش بسیار مهمی را بازی می کنند (پریوس و پرسچک، ۲۰۱۰).

کسب و کار به معنای فعالیتهایی است که تولید خرید کالا و خدمات با هدف فروش آنها به منظور کسب سود را در بر می گیرد. به طور کلی کسب و کار یک واحد سازمانی است که استراتژی مشخص و مدیری با مسئولیت فروش و سودآوری دارد و یا باید داشته باشد. از این رو یک سازمان واحدهای کسب و کار متعددی خواهد داشت که به صورت افقی یا عمودی بایکدیگر ارتباط دارند. (آکر، ۱۳۹۷).

امروزه بهبود فضای کسب و کار به عنوان یک راهبرد اقتصادی شناخته شده است. این راهبرد مکمل راهبرد خصوصی سازی است و برخی نیز معتقدند که رفع موانع بخش خصوصی یا همان بهبود فضای کسب و کار میبایست جایگزین خصوصی سازی شود. کسب و کاری تواند منجر به ایجاد فعالیتهای متکی بر کارآفرینی گردد و نقش سرمایه های انسانی را پررنگ تر نماید (پایتختی اسکویی و طبقچی اکبری، ۱۳۹۵).

محیط امروزی امواج تازه ای از تغییر را با خود به همراه آورده است. محیط پیرامون سازمانها نسبت به قبل پویاتر شده و باعث گردیده است تا سازمانها در پی یافتن پاسخهایی برای این پویایی باشند تا موفقیت و عملکرد بالاتر را برای خود رقم زنند (آیزنهارد و دیگران، ۲۰۱۰: ۱۲۶۳ به نقل از یزدانی، هاشمی و نعیمی، ۱۳۹۹)

امروزه با به بن بست رسیدن بسیاری از روشهای سنتی و پاسخگو نبودن آنها در رویارویی با مشکلات و معضلات علت و معلولی در اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی، ناگزیر به تعریف مفاهیم و چارچوبهای جدیدی هستیم که در دنیای رقابتی و اقتصاد بدون مرز و آزاد بتواند جایگاه قابل قبول و رتبه مناسبی در بین اقتصادهای جهان برای کشور به ارمغان آورد و از بسیاری از هزینه های گزاف بکاهد. این راه حل و راهکار چیزی نیست مگر به کارگیری تمام ظرفیتهای موجود و طرح و اجرای روشهای نوآورانه و خلاق مبتنی بر دانش و متکی بر امکانات ناشی از فناوری نوین یا همان کارآفرینی کار آفرینان ازهرقشر و رده و هر گروهی با تمام وجود و با برخورداری از کمترین امکانات و توقعات میتوانند در بستر سازمانهای کوچک و بزرگ، ظهور و بروز یابند. (علی پور هاشمی و عامری شهرایی، ۱۳۹۸)

بررسی ها نشان می دهد ایران به لحاظ شاخص شروع کسب و کار در سال ۲۰۱۴، نسبت به سال قبل ۶ پله سقوط کرده است و در سهولت کسب و کار رتبه ۱۳۷ را در بین ۱۸۳ کشور کسب کرده که منطبق با واقعیتهای اقتصادی کشور است (بانک جهانی ۲۰۱۴) برای بهبود شاخص فضای کسب و کار در سالهای اخیر، قوانین متعددی وضع شده است که هم در قانون برنامه پنجم توسعه، هم در ماده (۷) قانون اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی و هم در قانون بهبود مستمر کسب و کار به موضوع تسهیل فرایندهای اداری پرداخته شده است اما عملکرد اجرای این قوانین چندان رضایت بخش نبوده است. برخی از این قوانین از جمله قانون تجارت به جای اینکه منطبق با نیاز امروز تولید کنندگان باشد خود به مانعی در فرایند ثبت شرکتها تبدیل شده است. ثبت یک شرکت در کشور مراحل مختلفی دارد که بنا به اظهارات فعالان اقتصادی بسیار طولانی و زمان بر است، به گونه ای که فرایند قانونی و اداری ثبت یک شرکت در کشور ۳ تا ۶ ماه زمان نیاز دارد نهادهایی که باید فرایندهای اداری و قانونی را تسهیل کنند، وظایف خود را به خوبی انجام نمیدهند. به عبارت دیگر قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، قانون برنامه پنجم توسعه و قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ وظایفی را برای برخی نهادها مقرر داشته است که مجری را

ملزم می کند به تسهیل فرایندهای کسب و کار بپردازد، حال آنکه در مقام عمل چندان عملکرد خوبی طبق گزارش نهادهای معتبر به ثبت نرسیده است (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران ۱۳۹۵ معاونت بررسی های اقتصادی ۱۳۹۵ به نقل از حیدری؛ هاشمی و عامری شهرایی، ۱۴۰۰)

بهبود شرایط و شاخصهای فضای کسب و کار از جمله توسعه نظام بانکی و کاهش زمان لازم برای اخذ مجوز، زمینه ساز رشد و پویایی در هر کشوری را فراهم می آورد به گونه ای که با افزایش اعتبارات و داراییهای بانکی به عنوان پشتوانه و تأمین کننده اصلی مالی در اکثر کشورها مطرح می باشد، باعث بهبود فضای کسب و کار و تولیدی کشور می شود (حسینی و فهیمی فر، ۱۳۸۹). سؤال اصلی تحقیق عبارتست از این که رفتارهای اقتصادی مبتنی بر فرهنگ اعم از اقتصاد مقاومتی، فرهنگ جهادی و سایر رفتارهای اقتصادی بر رشد صنایع مادر در طول دهه ۱۳۹۰ چه تاثیری داشته است؟

۲. مبانی نظری

مروری بر ادبیات توسعه و فرهنگ و تعامل بین این دو پدیده حاکی از وجود دیدگاهها و اندیشه هایی است که ادبیات مسلط بر این موضوع، بیشتر بحث از رابطه بین فرهنگ و توسعه اقتصادی است در ایران از ابتدا با باز شدن دروازه های ایران بر تحولات صنعتی و تکنولوژی نوین جهانی خصوصاً نوگرایی غربی، تحولاتی در فرهنگ و ارزشهای فرهنگی خصوصاً ارزشهای اقتصادی پدیدار شد و این ارزشها، خود منشاء تحولاتی درالگوها، رفتارها و عملکرد اقتصادی بوده است. با تمایز بین مفاهیم غرب گرایی و نوگرایی یا مدرنیزاسیون می توان به شناخت شاخصهای فرهنگی و تحولات آن در طول فرایند توسعه اقتصادی پرداخت اقتصاد ایران نیز همچون سایر کشورهای در حال توسعه، در طی مراحل توسعه دستخوش تحولات بسیاری شده است از جمله این تحولات تحولات فرهنگی است که خود عاملی درون زا در ایجاد زمینه های توسعه بوده است؛ به عبارت دیگر اقتصاددانان نهادگرا و ساختارگرا ارزشهای فرهنگی و نهادینه کردن آنها را زمینه ساز توسعه اقتصادی می دانند.

هدف از انجام این مطالعه شناخت برخی شاخصهای فرهنگی و شاخص رشد اقتصادی و چگونگی مبادله بین شاخص های فرهنگی و شاخص رشد اقتصادی در اقتصاد ایران است. اهداف ویژه این تحقیق عبارتند از:

- شناسایی برخی شاخصهای فرهنگی در ایران

- چگونگی تاثیر گذاری شاخصهای فرهنگی مورد بررسی بر رشد اقتصادی

روش انجام تحقیق روش تحلیل محتوای شیوه کتابخانه ای است بیان شاخص کیفی به صورت کمی همواره تحلیل را دچار محدودیتهایی میکند که در این تحقیق نیز قابل لحاظ است.

۲.۱. ساختار صنعتی آسیب پذیر در ایران

به صورت اجمالی و خلاصه می توان گفت که در طول دهه ۱۳۸۰ یک روند مداوم نزولی در سهم صنعت از کل اقتصاد ایران بر اساس قیمتتهای جاری و به عبارتی کوچک شدن بخش صنعت ملاحظه می شود همچنین نگاهی به ساختار فعلی بخش صنعت در ایران نشان می دهد که به غیر از صنایع تولید مواد غذایی و آشامیدنی، عمده بخش صنعت در ایران بر صنایع مبتنی بر نفت و گاز و مواد معدنی متمرکز شده و میتوان گفت که بخش صنعت در ایران بخشی متکی بر منابع است (اژدری و حیدری، ۱۳۹۴)، که شدت آسیب پذیری این بخش را بالا می برد این کاهش متوسط نرخ رشد صنعتی در دهه گذشته و تمرکز بخش صنعت به صنایع سرمایه بر رانیز می توان از مهمترین علل اشتغالزایی ناکافی بخش صنعت دانست که می بایست برای رفع این

آسیب توجه جدی تری به بنگاه های کوچک و متوسط که نقش مهمی در ایجاد اشتغال دارند داشته و از یک راهبردرشد صنعتی پایدار تبعیت نمود. همچنین با توجه به اهمیت سرمایه گذاری در افزایش ظرفیت های تولیدی شواهد نشان می دهد که بخش صنعت و معدن به طور نسبی جایگاه خود را نسبت به سایر بخشهای اقتصادی از دست داده است و سرمایه گذاری کمتری در این بخش صورت می گیرد. همچنین این سرمایه گذاری در بخش صنعت نیز نامتقارن بوده و بسیار متمرکز بر صنایع فلزی و صنایع کانی غیر فلزی است که وابسته به ذخایر معدنی هستند (اژدری، ۱۳۹۴).

همچنین بر اساس سند برنامه راهبردی وزارت صنعت و معدن و تجارت (تیرماه ۱۳۹۴) از مهمترین چالشهای صنعت و معدن کشور در عرصه تولید کالاهای صنعتی می توان به سهم پایین صنعت و معدن در تشکیل سرمایه ثابت کل، کاهش سهم بهره وری کل عوامل در رشد صنعتی پایین بودن زمینه های توسعه قابلیت های فناوری روزآمد، پایین بودن نسبی کیفیت محصولات تولیدی و ضعف در برخورداری از استانداردهای بین المللی و وجود خام فروشی و صادرات مواد خام صنعتی و معدنی دانست. بر اساس این چالشها در این برنامه راهبردی اهداف کلی همچون افزایش ارزش افزوده بخش صنعت و معدن از تولید ناخالص داخلی به منظور صنعتی نمودن کشور، ارتقای بهره وری افزایش سهم تولیدات با فناوری متوسط و بالادر ارزش افزوده و صادرات صنعتی کشور افزایش سهم و نقش بخش خصوصی در فعالیتهای بخش صنعت و معدن و تجارت و ارتقای شاخصهای زیست محیطی در راستای رسیدن به اهداف توسعه پایدار در نظر گرفته شده است. از مهمترین نقدهایی که می توان به این سند به عنوان بالاترین سند اجرایی توسعه ساختار صنعتی کشور اشاره نمود به بی توجهی به صنایع با فناوری بالا اشاره نمود، طبق برخی از آمارها امروزه بیش از ۵۰ درصد ارزش صادرات کشورهای در حال توسعه صادرات کالاها و تولیدات با فناوری پیشرفته است که این سهم در صادرات صنعتی ایران کمتر از یک درصد است. همچنین در این سند از صنایع کوچک و SME ها و کارآفرینی نیز فراموش شده است. همچنین در این سند تحلیل مشکلات درون صنعت نیز اندیشیده نشده است در یک تقسیم بندی کلی از مشکلات تولید در صنعت کشور می توان به سه نوع مشکلات فرابنگاهی و بین بنگاهی و درون بنگاهی تقسیم نمود. رانت کنونی نفت در کشور باعث شده است که سیاست سرکوب قیمتی یا وام های ارزان قیمت ایجاد شده که انگیزه ارتقای کیفیت و فناوری را کاهش می دهد یکی دیگر از مشکلات فرابنگاهی در صنعت نیز ناشی از ناطمینانیهای ناشی از کسب و کار و نامشخص بودن افق آینده است در حوزه بین بنگاهی نیز می توان گفت که در برخی صنایع کشور با ایجاد برخی رانتها مجوز قیمت شکنی و مانع ورود به شرکتها داده می شود که این ناطمینانی برای دیگر بنگاهها سبب عدم انگیزه کافی برای سرمایه گذاری و انتقال فناوری و... می شود. (رجب پور، ۱۳۹۴) در بخش درون بنگاهی نیز پایین بودن بهره وری نیروی کار؛ پایین بودن بهره دهی انرژی نیازمندی به واردات کالاهای اولیه و دستگاههای صنعتی رشته فعالیتهای با توجه به فضای تحریم نیازمندی شدید بنگاهها به تأمین مالی سرمایه در گردش و عدم سرمایه گذاری مستقیم داخلی و خارجی در صنایع و... را می توان از مهم ترین مشکلات ساختار صنعتی کشور دانست.

۲.۲. الزامات توسعه صنعتی در اقتصاد مقاوم

باتوجه به بیانات مقام معظم رهبری و دیگر اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران از جمله سند ابلاغی سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی در راستای تعیین و تبیین راهبردهای کلان پیاده سازی اقتصاد مقاومتی در حوزه صنعت می توان به دو مؤلفه اساسی اقتصاد مقاومتی یعنی حفظ روندروبه رشد و کاهش آسیب پذیری اشاره نمود لذا با توجه به این مؤلفه ها، صنایع کشور میبایست روند رو به رشدی داشته باشند و از سوی دیگر با حفظ این روند رو به رشد خود آسیب پذیریهایی خود نسبت به

تمامی ریسکهای داخلی و خارجی را پوشش داده و به حداقل ممکن برسانند تا در تمام زمانها-چه در زمان تحریم و چه در زمان غیر تحریم- بتوانند به سرعت واکنش نشان داده و آسیب نبینند. براین اساس می توان به موارد زیر به عنوان الزاماتی جهت اجرایی نمودن اقتصاد مقاومتی در حوزه صنعت اشاره نمود.

۲.۲.۱. حمایت از تولید ملی کار و سرمایه ایرانی با تکیه بر مردم

از فرمایشات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیات دولت در مورخه ۱۳۹۱/۰۶/۰۵ در باب حمایت از تولید ملی کار و سرمایه ایرانی با تکیه بر مردم و همچنین بندهای اول و بیستم سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی میتوان مؤلفه هایی همچون (۱) حمایت از صنعت (۲) فعال سازی واحدهای کوچک و متوسط صنعتی و (۳) توان بخشی و تقویت بخش خصوصی در حوزه صنعت را در جهت عملیاتی نمودن اقتصاد مقاومتی در حوزه صنعت برداشت نمود.

۲.۲.۲. ارتقاء بهره وری و کارایی

از فرمایشات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام در مورخه ۱۳۹۱/۰۳/۰۵ که تأکید بر تولید داخلی و مدیریت مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر داشته است و همچنین بندهای سوم و چهارم سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی در باب صنایع می توان این برداشت را نمود که صنایع کشوری بایست بهترین و باکیفیت ترین محصولات همراه با قیمت پایین را تولید نموده تا در برابر دیگر محصولات مشابه خارجی توان رقابت و بازاریابی داخلی جهت مصارف مردم داشته باشند لذا می توان یکی دیگر از الزامات صنایع در عملیاتی نمودن اقتصاد مقاومتی در حوزه صنعت را تولید محصولات باکیفیت با هزینه تمام شده کمتر دانست که لازمه این امر افزایش کارایی و بازدهی کارگاه های صنعتی همراه با کاهش هزینه استهلاک و دیگر هزینه ها هست. همچنین با استفاده حداکثری از منابع و امکانات کشور رانیز میتوان زیر مجموعه این الزام اقتصاد مقاومتی دانست، به عنوان مثال می بایست پروژه های عمرانی کارخانه ها و... که در صنایع شروع به ساخت شده اند، در زمان مقرر و برنامه ریزی شده خود به پایان رسیده و برای تحقق این امر باید از تمام ظرفیت انسانی و سرمایه ای کشور با بیشترین بهره وری و کارایی استفاده گردد. همچنین از این فرمایش مقام معظم رهبری (۱۳۹۱/۰۳/۰۵) نیز می توان افزایش اثر بخشی و بالا بردن کارایی صنایع با توجه به محدودیتهای ایجاد شده از ناحیه تحریمهای بین المللی را نیز برداشت نمود. چراکه با توجه به تحریم ها و کاهش امکانات وارداتی قبل از تحریم، دیگر فرصت برای اهمال و کم کاری و تولید باراندمان پایین نیست و باید با تمام توان و استفاده حداکثری از منابع زمان و امکانات به دفع این توطئه های دشمن در حوزه صنعت پرداخت.

۲.۲.۳. اقتصاد دانش بنیان

عبور از اقتصاد وابسته به منابع اولیه و متکی بر فروش مواد خام و کم فرآوری شده، تنها مسیر اقتصاد نوآور و تولید دانش بنیان میسر است. این مهم همچنین به صورت صریح در مقدمه و بند دوم از سیاستهای اقتصاد مقاومتی ذکر گردیده است.

۲.۲.۴. مقاوم بودن اقتصاد

هم اکنون با توجه به فضای صنعت کشور با توجه به وضع تحریم های بین المللی علیه جمهوری اسلامی ایران به خصوص در حوزه های مالی و ارزی کشور، صنعت کشور با مشکلات فراوانی در عرصه واردات مواد اولیه صنایع کالاهای واسطه ای و

همچنین سرمایه گذاری در حوزه صنعت مواجه گردیده است. رهایی از وابستگی رامی توان یکی از راهبردهای اقتصاد مقاومتی در راستای مقاوم سازی اقتصاد دانست این الزام نیز به صورت ضمنی در بندهای ۶ و ۷ و ۱۲ و ۱۳ و ۲۴ اشاره گردیده است.

۳.۲. راهبردهای کلان اقتصاد مقاومتی در حوزه صنعت با تأکید بر کاهش آسیب پذیری تولید

باتوجه به فرامین رهبری و الزامات اقتصادمقاومتی و همچنین سیاستهای کلی اقتصادمقاومتی میتوان گفت صنایع کشور در حوزه های رهایی از وابستگی بالا بردن کارایی و بهره وری صنایع و همچنین صنایع دانش بنیان در جهت عملیاتی نمودن اقتصاد مقاومتی در حوزه صنعت گام برداشته تا شاهد حفظ روند رو به رشد صنایع و همچنین کاهش آسیب پذیری باشیم.

۳.۲.۱. رهایی از وابستگی

باتوجه به مقدمه سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی که اقتصاد مقاومتی را با رویکردی جهادی، انعطاف پذیر فرصت، سازمولدرون زاپیشرو و برون گرادرنظر گرفته است رهایی از وابستگی در عین برونگرایی را می توان یکی از راهبردهای کلان اقتصاد مقاومتی دانست.

۳.۲.۲. اقتصاد دانش بنیان

باتوجه به مقدمه سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی کشوری بایست اقتصادی متکی به دانش و فناوری داشته باشد و اقتصاد دانش بنیان (Knowledge - Based Economy) باشد. این الزام در بندهای اول توسعه کارآفرینی و دوم پیشتازی اقتصاد دانش بنیان،... و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات و بند پنجم افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش مهارت خلاقیت کارآفرینی و تجربه نیز به صراحت اشاره شده است که می بایست صنایع کشور نیز در این خصوص فعال گردند.

۳.۲.۳. افزایش کارایی و بهره وری

باتوجه به بند سوم سیاستهای کلی اقتصادمقاومتی محور قراردادن رشد بهره وری (Productivity) در اقتصاد با تقویت عوامل تولید توانمندسازی نیروی کار و بند چهارم و پنجم که به افزایش تولید اشتغال و بهره وری و کاهش شدت انرژی و افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء، آموزش مهارت خلاقیت کارآفرینی و تجربه اشاره دارد؛ لازم است که یکی از راهبردهای اجرایی سازی اقتصادمقاومتی در کاهش آسیب پذیری کلان صنایع قرار گیرد.

۳.۲.۴. شاخصهای اولویت بندی صنایع بر مبنای اقتصاد مقاومتی در راستای تدوین الگوی توسعه زیر بخشی

با توجه به سه راهبردهایی از وابستگی ارتقاء کارایی و بهره وری و صنعت دانش بنیان و همچنین با توجه به محدودیت های آماری در برخی از شاخص های رتبه بندی صنایع و اهمیت بیشتر مرحله تولید در حوزه صنعت نسبت به مرحله قبل از تولید کالاهای صنعتی و مراحل پس از تولید کالاهای صنعتی توزیع فروش و مصرف در این قسمت به تعریف و تبیین هر یک از شاخصهای استفاده شده در این پژوهش می پردازیم.

۲.۴.۱. شاخصهای راهبرد رهایی از وابستگی

در زیرمجموعه شاخصهای راهبردی رهایی از وابستگی چهار شاخص اساسی تقویت صنایع بخش خصوصی تقویت صنایع استراتژیک مرتبط بانیزهای اساسی مردم و شاخصهای کاهش وابستگی به مواد اولیه خارجی و سرمایه خارجی با توجه به فضای اقتصاد مقاومتی و همچنین محدودیتهای آماری احصاء شده است.

۲.۴.۱.۱. تقویت صنایع بخش خصوصی

همان طور که اشاره گردیدیکی از الزامات اقتصاد مقاومتی تکیه بر مردم و استفاده از تمامی توان و ظرفیت مردم در عملیاتی نمودن اقتصاد مقاومتی هست. همچنین با توجه به فرمایشات مقام رهبری در خصوص تقویت بخش خصوصی و همچنین اصل ۴۴ قانون اساسی یکی از شاخصهای اولویت بندی صنایع را میتوان تقویت صنایع خصوصی دانست. این شاخص از تقسیم تعداد کارگاههای صنعتی با مدیریت بخش خصوصی به تعداد کل کارگاههای آن رشته فعالیت به دست می آید هرچه این نسبت بزرگتر باشد، نشان دهنده تمایل بیشتر بخش خصوصی به این رشته فعالیت بوده و برای تقویت این رشته فعالیت باید سرمایه گذاری ها در اولویت قرارگیرد.

۲.۴.۲. تقویت صنایع استراتژیک مرتبط با نیازهای اساسی مردم

یکی از ویژگیهای بخش صنعت جمهوری اسلامی ایران در افق چشم انداز ۱۴۰۴ در جهت رساندن کشور به رتبه منطقه یک در منطقه صنعتی هست که تأمین کننده محصولات مورد نیاز جامعه با کیفیت و قیمت مطلوب و حفظ حقوق مصرف کنندگان، خوداتکادرتأمین کالاها و خدمات اساسی مردم باشد. همچنین مفهوم خودکفایی در اسلام در جامعه ای تحقق می یابد که توانایی رفع نیازمندیهای خود را در سطح عالی رفاه داشته باشد. لذا با توجه به الزامات اقتصاد مقاومتی و کاهش آسیب پذیری جمهوری اسلامی ایران از توطئه های دشمنان لازم است صنایع که به صورت مستقیم به رفع نیازهای اساسی و معیشتی مردم می پردازند در اولویت اول سرمایه گذاری قرارگیرد.

۲.۴.۳. کاهش وابستگی به مواد اولیه خارجی

بر اساس اصل خودکفایی و استقلال اقتصادی و با توجه به ایجاد تحریم های شدید بین المللی علیه جمهوری اسلامی ایران که به صورت مستقیم واردات کالا و همچنین بازار ارز کشور را با بحران جدی مواجه نموده است صنایعی در اولویت قرار خواهند گرفت که به میزان کمتری از مواد اولیه خارجی در تولید خود استفاده نموده و آسیب پذیری بسیار کمتری از تحریم ها و نوسانات بین المللی خواهند داشت. لذا این شاخص از تقسیم ارزش مواد اولیه خارجی به کل مواد اولیه مصرفی رشته فعالیتهای صنعتی به دست آمده و هر چه این نسبت کمتر باشد رشته فعالیت مذکور در اولویت بالاتری جهت سرمایه گذاری قرار می گیرد.

۲.۴.۴. کاهش وابستگی به سرمایه خارجی

بر اساس اصل خودکفایی و استقلال اقتصادی و با توجه به ایجاد تحریم های شدید بین المللی علیه جمهوری اسلامی ایران که به صورت مستقیم جریانهای ورودی و همچنین بازار ارز کشور را با بحران جدی مواجه نموده است صنایعی در اولویت قرار خواهند گرفت که به میزان کمتری از سرمایه خارجی و تحصیل سرمایه خارجی در تولید خود استفاده نموده و آسیب

پذیری بسیار کمتری از تحریمها و نوسانات بین المللی خواهد داشت. لذا این شاخص از تقسیم ارزش کل خرید اموال سرمایه ای خارجی به کل خرید اموال سرمایه ای رشته فعالیتهای صنعتی به دست آمده و هرچه این نسبت کمتر باشد، رشته فعالیت مذکور در اولویت بالاتری جهت سرمایه گذاری قرار می گیرد.

۲.۴.۵. شاخصهای راهبرد صنعت دانش بنیان

دردوره ی فرا صنعتی که برخی از کشورهای پیشرفته صنعتی وارد این دوره شده اند و جمهوری اسلامی ایران نیز باید هرچه زودتر با توجه به مناسبات جهانی و تحولات جهانی صنعت در جهت حفظ روند رو به رشد و کاهش آسیب پذیری خود وارد این دوره شود فناوریهای پیشرفته ی ارتباطی و خودکارسازی روش تولید صنایع هست، قدرت تفکر و اندیشه های خلاق منبع کلیدی تولید بوده و اطلاعات دانش و تحقیق سرمایه کلیدی صنایع هست. (حسینی؛ ۱۳۸۶) لذا با توجه به فرمایشات رهبری در مورد رابطه اقتصاد و علم، شرکتهای و صنایع دانش بنیان می توان یکی دیگر از راهبردهای کلان اولویت بندی صنایع بر مبنای اقتصاد مقاومتی را، صنعت دانش بنیان دانست. باتوجه به محدودیت های آماری می توان از شاخصهای زیر به عنوان شاخصهای اولویت بندی صنایع بر مبنای اقتصاد مقاومتی در راستای راهبرد کلان صنعت دانش بنیان نام برد.

۲.۴.۵.۱. افزایش میزان آموزش کارکنان

یکی از مشکلات کنونی صنایع کشور عدم آموزش و توانمندسازی کارکنان و کارگران (نیروی انسانی صنایع هست همچنین با پیشرفت روزانه علوم مرتبط با صنایع و لزوم به کارگیری این علوم در فرایندهای تولیدات صنعتی نیازمند آموزش مداوم کارکنان و کارگران کارگاههای صنعتی در جهت اجرایی کردن این علوم در فرایند ساخت و تولید محصولات صنعتی باشیم. لذا با توجه به راهبرد صنعت دانش بنیان یکی از شاخصهای اولویت بندی صنایع بر مبنای اقتصاد مقاومتی را می توان افزایش نسبت هزینه آموزش کارکنان صنایع نسبت به جمع کل هزینه ها این صنایع دانست هراندازه این نسبت برای رشته فعالیت صنعتی بزرگتر باشد آن رشته فعالیت در اولویت بالاتری جهت سرمایه گذاری و حمایت در راستای اولویت بندی صنایع قرار می گیرد.

۳. پیشینه تحقیق

- عراقی و رضایی، (۱۳۹۰)، در مقاله ای با عنوان «تعیین صنایع استراتژیک اقتصاد ایران» با استفاده از روش تاکسونومی (TAXONOMY) عددی به اولویت بندی صنایع جهت تخصیص بهینه منابع می پردازند در این تحقیق پس از حذف هم خطی بین شاخصها فعالیت تولید آهن، فولاد و محصولات آن در رتبه اول، صنایع تولید محصولات لاستیکی و پلاستیکی در رتبه دوم و سایر محصولات کانی در رتبه سوم قرار گرفته اند.
- تفضلی، (۱۳۸۸)، در مقاله ای با عنوان «رتبه بندی صنایع در بخش تعاون با توجه به شاخصهای توسعه محور تأثیر گذار بر افزایش سهم تعاون در اقتصاد کشور» با استفاده از روشهای آماری مانند تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی به اولویت بندی صنایع در بخش تعاون کشور در سال ۱۳۸۳ پرداخته است. یافته های این پژوهش در مورد رتبه بندی صنایع تعاونی نشان می دهد که صنعت تولید مواد غذایی و آشامیدنی به دلیل برخی از ویژگیهایی همچون در اختیار بودن نیروی کار ارزان و گاه غیر متخصص و نیز وجود مواد اولیه مورد نیاز این صنعت در داخل کشور در رتبه اول اولویت قرار میگیرد. بنابراین، توجه به آن سبب افزایش درجه توسعه یافتگی صنعت در بخش تعاون می گردد.

- پهلوانی، (۱۳۸۸)، در مقاله ای با عنوان «اولویت بندی سرمایه گذاری با استفاده از روش تصمیم گیری گروهی سلسله مراتبی (TOPSIS) در محیط فازی» به ارائه مدلی برای اولویت بندی سرمایه گذاری در صنایع مختلف که مرتبط با حوزه فعالیت بانک صنعت و معدن هستند، پرداخته است. رتبه اول این پژوهش مربوط به صنایع پالایشگاه و پتروشیمی است؛ صنایع فلزات اساسی با اختلاف اندکی در رتبه دوم قرار دارد و صنایع کانی غیر فلزی از جمله صنایع سیمان در رتبه سوم قرار گرفته است.
- سلیمی فر و شیرزور، (۱۳۸۷)، در مقاله ای با عنوان «شناسایی و تحلیل مزیت های رتبه ای صنایع در استانهای خراسان با استفاده از تلفیق روشهای تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی به تحلیل رتبه ای صنایع استانهای خراسان در مقاطع زمانی ۱۳۷۸، ۱۳۷۴ و ۱۳۸۲ می پردازند. براساس نتایج این تحقیق تعداد محدودی از صنایع استان در سه مقطع مورد بررسی جایگاه خود را حفظ کرده اند مجموعه ی فعالیتهای صنعتی قرار گرفته در اولویت اول طی سه مقطع زمانی، مورد بررسی دارای ترکیب ثابتی نبوده است و با گذشت زمان تغییرات محسوسی داشته است به سمت صنایع شیمیایی الکتریکی، لاستیکی معطوف گردیده است.
- هوشمند و خدادوست، (۱۳۸۷)، در مقاله ای با عنوان رتبه بندی صنایع فهرست شده در بورس اوراق بهادار تهران براساس میزان برخورداری از شاخصهای مطلوب با استفاده از روش تحلیل تاکسونومی، عددی تمام صنایع موجود بر اساس میزان برخورداری از شاخصها را در ۷ مقطع زمانی شش ماهه از ابتدای سال ۱۳۸۰ تا پایان شهریور رتبه بندی نموده اند نتایج این پژوهش نشان میدهد صنعت واسطه گری مالی از بالاترین رتبه و صنعت نساجی از پایینترین رتبه در رسیدن به اهداف مطلوب برخوردار است.
- نبوی، (۱۳۸۶)، در مقاله ای با عنوان رتبه بندی صنایع ایران بر اساس تکنیک های تصمیم گیری با معیارهای چندگانه به رتبه بندی صنایع ایران با استفاده از روشهای تحلیل چندگانه از جمله تحلیل مؤلفه اصلی تاکسونومی عددی با استفاده از شاخصهای متعدد در چارچوب کارت امتیازی متوازن پرداخته است. در نهایت در رتبه بندی صنایع ایران صنایع تولید زغال کک و پالایشگاههای نفت رتبه اول تولید فلزات اساسی رتبه دوم و تولید محصولات توتون و تنباکو رتبه آخر را کسب کرده است.
- جهانگیری و نصیری، (۱۳۸۶)، در مقاله ای با عنوان «بررسی و تعیین اولویت های سرمایه گذاری صنعتی کشور با استفاده از تکنیک تاکسونومی» به کمک شاخص های اولویت بندی و تأکید بر شاخص مزیت نسبی آشکار شاخصهای صنایع را محاسبه و سپس با استفاده از کدهای سه رقمی (International Standard Industrial Classification ISIC) از روش تاکسونومی صنایع مذکور رتبه بندی کرده اند. نتیجه ی این پژوهش نشان می دهد که سه گروه صنایع در کشور وجود دارد که اولویت بندی کلی آنها عبارت اند از: گروه اول دارای مزیت تولیدی و مزیت، تجاری، گروه دوم دارای مزیت تولیدی بدون مزیت تجاری، گروه سوم دارای مزیت تجاری و بدون مزیت تولیدی هستند. فعالیتهای مربوط به تولید و تعمیر انواع وسیله ی نقلیه، آبی تولید مواد شیمیایی اساسی... تولید فرآورده های نفتی تصفیه شده، تولید محصولات کانی غیر فلزی طبقه بندی نشده در جای دیگر، تولید محصولات اولیه ی آهن و فولاد تولید محصولات از توتون و تنباکو سیگار، ریسندگی، بافندگی و تکمیل، منسوجات تولید کاغذ و کاغذسازی تولید وسایل نقلیه ی موتوری جزء گروه اول محسوب می شوند؛ گروه دوم اولویت های سرمایه گذاری صنعتی، شامل فعالیتهایی است که در آنها کشور در سطح جهان از مزیت تولیدی برخوردار است، ولی دارای مزیت تجاری نیست که از این صنایع به تولید محصولات فلزی ساختمانی، مخازن، انبارها و مولدهای بخار تولید ماشین آلات اداری و حسابگر و محاسباتی، تولید کفش، تولید سایر محصولات شیمیایی، عمل آوردن و رنگ کردن پوست خردار، تکثیر رسانه های ضبط شده اشاره کرد گروه سوم اولویتهای سرمایه گذاری در صنایع عبارت اند از صنایع تولید و عمل آوری و حفاظت، گوشت،

ماهی، میوه، سبزیجات، روغن ها و چربی ها از فساد تولید دستگاههای توزیع و کنترل، برق تولیدسیم و کابل عایق بندی شده، تولید محصولات پلاستیکی به جز کفش تولید ماشین آلات با کاربرد خاص اشاره نمود.

- معصوم زاده و تراب زاده، (۱۳۸۳)، نیز در مقاله ای با عنوان «رتبه بندی تولیدات صنعتی کشور» به تعیین صنایع اولویت دار و شناسایی مزیت کشور در تولیدات صنعتی با استفاده از دودسته فاکتورهای مختلف اقتصادی و غیراقتصادی انجام و فعالیتهای صنعتی در ۶۱ گروه براساس سیستم طبقه بندی بین المللی ISIC با استفاده از مدل فرایند تحلیل سلسله مراتبی پرداخته اند نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان می دهد که بهترین گزینه یار تبه اول مربوط به ساخت محصولات کانی غیر فلزی طبقه بندی نشده در جای دیگر» و پایین ترین رتبه مربوط به گروه ساخت فرآورده های کوره کک است.

۶. نتیجه گیری

اولین اولویت جهت اجرایی نمودن اقتصاد مقاومتی در صنایع کشور کاهش وابستگی به مواد اولیه خارجی هست این عامل که در تولیدات صنعتی نقش بسیار مهمی داشته و کل صنعت در صورت نبود یکی از اقلام، خارجی، ممکن است متوقف گردد؛ این شاخص در اولویت بندی معیارهای اولویت بندی صنایع رتبه اول را به خود اختصاص داده که نشان دهنده میزان اهمیت بالای این عامل است دومین معیار مهم در راستای اجرا و عملیاتی نمودن اقتصاد مقاومتی، تقویت صنایع استراتژیک مرتبط با نیازهای اساسی مردم هست در بخش صنعت، نیز در این شرایط باید صنایع مرتبط با نیازهای اساسی مردم در اولویت اول سرمایه گذاری و حمایت قرار گیرند، چراکه تأمین نیازهای معیشتی و اساسی و رسیدن به خودکفایی اقتصادی یکی از اساسی ترین وظایف عمومی و دولتی هر کشوری هست. سومین معیار که در این پژوهش با توجه به نظرات نخبگان بسیار اهمیت دارد، افزایش میزان آموزش کارکنان هر رشته فعالیت صنعتی هست. در راستای تقویت صنعت دانش بنیان یکی از ارکان مهم ایجاد، آن تقویت مهارت و دانش کارگران و نیروی های شاغل در صنایع هست. در همین راستا با آموزش مداوم کارکنان و صرف هزینه های آموزشی می توان به صنایع با بازدهی بسیار بالاتر از صنایع فعلی دست پیدا کرد که علاوه برهایی از وابستگی باعث افزایش بهره وری نیز می گردد.

در یک نگاه کلی به صنایعی که اولین اولویتها را به دست آورده اند می توان فهمید که صنایعی که نزدیکتر با صنایع دانش بنیان می باشند در اولویت بالاتری قرار گرفته اند؛ لذا می توان گفت در راهبردهای اساسی اقتصاد مقاومتی در راستای تعیین الگوی توسعه زیربخشهای صنعت می بایست صنایعی که مبتنی بر دانش و تحقیقات بوده و این خصوصیت باعث بهره وری بیشتری برای آنها شده در اولویتهای اول قرار بگیرند.

منابع

۱. سندسیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی توسط مقام معظم رهبری، ۳۰/۱۱/۱۳۹۲
۲. سندبرنامه راهبردی وزارت صنعت و معدن و تجارت، تیرماه ۱۳۹۴.
۳. احدی نیا، علی، (۱۳۸۴)، راهکارهای افزایش بهره وری تدبیر تابستان.
۴. اژدری، علی اصغر (۱۳۹۴)؛ گزارش پژوهشی چشم انداز سرمایه گذاری صنعتی در ایران (توصیه های سیاستی برای برنامه ششم توسعه مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، بهمن ۱۳۹۴.
۵. اژدری، علی اصغر حیدری، حسن، (۱۳۹۴)؛ گزارش پژوهشی دورنمای رشد صنعتی در اقتصاد ایران، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی دی ماه ۱۳۹۴
۶. پهلوانی، علی، (۱۳۸۸)، «اولویت بندی سرمایه گذاری با استفاده از روش تصمیم گیری سلسله مراتبی گروهی TOPSIS در محیط فازی نشریه مدیریت صنعتی، دوره ۱.
۷. تفضلی، فریدون، (۱۳۸۸)، «رتبه بندی صنایع در بخش تعاون با توجه به شاخص های توسعه محور تاثیرگذار بر افزایش سهم تعاون در اقتصاد کشور»، تعاون، سال بیستم، شماره ۲۱۰ و ۲۱۱
۸. جهانگیری، علی، نصیری، محمد، (۱۳۸۹)، «بررسی اولویتهای سرمایه گذاری صنعتی کشور با استفاده از تکنیک تاکسونومی»، پژوهشنامه ی علوم انسانی و اجتماعی شماره ۲۵
۹. حسینی، میرزاحسن و حسینی روح الله، (۱۳۸۶)، «مبانی مدیریت صنعتی، تهران: نشر استادی
۱۰. خلیلی عراقی، سیدمنصور رضایی حسن، (۱۳۹۰)، «تعیین صنایع استراتژیک اقتصاد ایران»، سال یازدهم پژوهشهای اقتصادی شماره ۲
۱۱. رجب پور، حسن، (۱۳۹۴)؛ گزارش پژوهشی ارزیابی برنامه راهبردی وزارت صنعت و معدن و تجارت؛ مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی؛ بهمن ۱۳۹۴
۱۲. سلیمی فر، مصطفی و شیرزور، زهرا، (۱۳۸۷)، شناسایی و تحلیل مزیت‌های رتبه ای صنایع در استانهای خراسان»، فصلنامه، بررسی های اقتصادی شماره ۱ دوره ۵.
۱۳. قدسی پور، حسن، (۱۳۷۹)، فرایند تحلیل سلسله مراتبی تهران: انتشارات دانشگاه امیرکبیر.
۱۴. معصوم زاده، سیدمحسن و تراب زاده اقدس، (۱۳۸۳)، «رتبه بندی تولیدات صنعتی کشور، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۰
۱۵. نبوتی، حجت، (۱۳۸۶)، «رتبه بندی صنایع ایران براساس تکنیک های تصمیم گیری بامعیارهای چندگانه»، پنجمین کنفرانس بین المللی مهندسی صنایع تهران دانشگاه علم و صنعت ایران هوشمند،
۱۶. حسین و خدادوست محمود، (۱۳۸۷)، «رتبه بندی صنایع فهرست شده در اوراق بهادار تهران براساس میزان برخورداری از شاخصهای مطلوب، مجله دانش و توسعه، شماره ۲۴